

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۳۱ جولای ۲۰۲۰

طفیلی‌گری و گندیدگی سرمایه‌داری به چه معنی است؟

به بهانه ۱۵۰ سالگی تولد لنین

لنین در بخشی از کتاب مشهور خود به نام «امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» پدیده‌ای را شرح می‌دهد که او آن را «طفیلی‌گری و گندیدگی» (idleness and parasitic) می‌نامد در میان بخشی از کمونیست‌ها این سوء تفاهم به وجود آمده است که گویا توجه لنین به دوران احتضار امپریالیسم و پوسیدگی و انگلی آخر عمر وی است. این امر توهمی بیش نیست! لنین بر آن است که این ویژگی امپریالیسم، اگرچه از سرشت انحصارگری آن سرچشمه می‌گیرد، اولاً پدیده‌ای است همزاد و همراه او و ثانیاً حتی بیماری دوران جوانی امپریالیسم و به ویژه نتیجه استثمار کشورهای عقب‌مانده، ضعیف و کوچک و تبدیل آنان به مستعمرات خویش است. به ویژه صدور سرمایه در ایجاد و شکل‌گیری بیماری «طفیلی‌گری» نقش اساسی را بازی می‌نماید.

کمی به ویژگی‌ها و خصوصیات گوناگون این پدیده، آن چنان که لنین آن را توضیح می‌دهد، گوش فرا دهیم:

۱- «عمیق‌ترین پایه اقتصادی امپریالیسم، انحصار است». سپس لنین بر آن است که «این انحصار – سرمایه‌داری است. یعنی از بطن سرمایه‌داری و در شرایط عمومی سرمایه‌داری، یعنی تولید کالائی و رقابت به وجود آمده و با این شرایط عمومی در حال تضاد دائمی و درمان‌ناپذیر است. با این حال این انحصار نیز مانند هر انحصاری، ولی به طور موقت، تا درجه معینی موجب از بین رفتن انگیزه ترقیات تکنیکی و بالنتیجه هرگونه ترقی و هرگونه پیشرفتی می‌گردد. به علاوه این عمل یک امکان اقتصادی به وجود می‌آورد برای آن که از ترقیات تکنیکی مصنوعاً جلوگیری شود».

اینگونه جلوگیری از پیشرفت‌های تکنیکی، همانطور که لنین اشاره می‌کند، نه اساس سرمایه‌داری و امپریالیسم است، بلکه «تا درجه عینی» و در شرایط مختلفی تظاهر می‌کند. نقش تضاد و مبارزه انحصارها و کارتل‌های معینی در کشورهای متفاوت و استفاده از شیوه‌های مخفی و مافیائی در سرکوب، خرابکاری و از میدان به در کردن یک دیگر برای پیروزی در مسابقه به منظور به‌دست‌آوردن اولین و بزرگترین بازارها به طور عیان، در زمان ما تشدید یافته است. لیکن ما به‌خاطر ارزشی که مثال لنین در سال‌های ۱۹۱۷ و شباهت ماهوی آن با نمونه‌های دوران ما دارد، از ذکر و اشاره به مثال‌های زمان ما، که می‌توان بر آن ده‌ها نمونه در دوران کنونی افزود، صرف‌نظر می‌کنیم. لنین ادامه می‌دهد: «مثال: اوئنس Owens نامی در امریکا یک ماشین بتری‌سازی اختراع نمود که در امر تولید بتری، انقلابی

تولید می‌کرد. کارتل المانی صاحبان کارخانه‌های بطری‌سازی اختراع اوئنس را خریداری می‌نماید و در کشوی میز خود جای می‌دهد و از عملی‌نمودن آن جلوگیری می‌کند».

بدین‌ترتیب انحصارها برای از میان برداشتن رقیب، با هر حيله و نیرنگی کوشش دارند که قیمت‌ها را ثابت نگه‌دارند و بازار را در اختیار خود قرار دهند. تمایل به رکود و گنبدیگی نتیجه ناگزیر اعمال چنین شیوه‌هایی است.

۲ - و اما ویژگی دیگر و شاید از دید لنین مهمترین ویژگی طفیلی‌گری سرمایه‌داری همانا به وجود آمدن قشر و سپس دولت‌های تنزیل‌بگیر است، یعنی «کسانی که از طریق «سفته‌بازی» زندگی می‌کنند و به کلی از شرکت در هرگونه بنگاهی برکنارند و حرفه آنان تن‌آسائی است. صدور سرمایه، که یکی از مهمترین ارکان اقتصادی امپریالیسم است، بیش از پیش این برکناری کامل قشر تنزیل‌بگیران را از تولید تشدید می‌کند».

برای لنین سرمایه به جای نقش فعال در تولید واقعی جامعه با مرور در جریان صدور و انباشته‌شدن آن و بر اساس آن رواج تنزیل و توجه روزافزون به پول و گردش از خود غریبه گشته است. به زبان دیگر؛ سرمایه خود را از تولید جدا می‌کند و در مسیری غیرتولیدی به کار می‌افتد و مبتلا به انگل و گنبدیگی می‌گردد.

دوباره به لنین مراجعه کنیم: «دولت تنزیل‌بگیر عبارت است از دولت سرمایه‌داری طفیلی و در حال گنبدیدن». هم اکنون به وضوح می‌توان دید که چگونه کشورهای، که مورد حمله و تجاوز اقتصادی امپریالیسم و سیاست نولیبرال قرار گرفته‌اند، با چه مشکلاتی برای رشد اقتصاد خویش دست و پنجه نرم می‌کنند و چگونه قشرهای کوچک، ولی فربه و قدرتمندی در این کشورها به وجود آمده‌اند که نه از راه تولید کشاورزی و یا صنعتی، بلکه از راه‌های مشروع و نامشروع غیرتولیدی و شاید مافیائی ثروت هنگفتی به دست آورده‌اند. آنها این ثروت بادآورده را عمدتاً دوباره به صورت قرض و تنزیل وارد بازار می‌کنند و به تن‌آسائی حرفه‌ای خود ادامه می‌دهند. اینان طفیلی‌گران سیستم سرمایه‌داری پوسیده کشورهای کوچک و ضعیف هستند، که مکمل گنبدیگی امپریالیسم جهانی‌اند.

لنین رشته سخن را به «هوبسن» نامی محول می‌سازد که به قول او چون نمی‌توان او را به داشتن تعصب در «شریعت مارکسیستی» مظنون داشت، به عنوان گواه از هر کس مطمئن‌تر است. «هوبسن» می‌نویسد:

«جنوب انگلستان و ریوریا و نقاطی از ایتالیا و سوئیس که توریست‌ها بیش از هر جا از آنها دیدن می‌نمایند، محل سکونت توانگران است. به عبارت دیگر منظره آن چنین خواهد بود: مشت ناچیزی از اشراف ثروتمند، که از خاور دور بهره سهام و مقرری می‌گیرند... و عده کثیرتری از نوکران و خدمتکاران و کارگران بنگاه‌های حمل و نقل و صنایعی که به تکمیل آخرین قسمت اشیاء ساخته شده مشغول‌اند. ولی رشته‌های عمده صنایع از بین خواهد رفت و مقادیر هنگفتی مواد غذایی و اشیاء نیمه ساخته به عنوان خراج از آسیا و آفریقا وارد خواهد شد». این فدراسیون اروپائی دول معظم «نه تنها مدنیت جهانی را به جلو سوق نخواهد داد، بلکه ممکن است خطر عظیم طفیلی‌گری باختری را دربرداشته باشد».

چنین شیوه‌ای مبتنی بر فریه‌شدن بخشی از سرمایه‌داران که از قبل رباخواری و سفته‌بازی زندگی خود را با تن‌آسائی و عیاشی به‌سر می‌برند، در سال‌های اوج استعمار و وابسته‌ساختن کشورهای ضعیف از یکسو و از سوی دیگر فریه‌شدن و تن‌پروری بورژوازی‌های محلی و وابسته، که بخش بورژوازی امپریالیستی و دور و بری‌های آنان را رشد داد، نیز همچنان شیوع یافت. ما در ایران چه در دوران قبل از انقلاب و چه هم‌اکنون پس از آن، شاهد این پدیده هستیم که بیشماری از ثروت اندوختگان جامعه، ثروت و پول خود را به جای کار انداختن در مسیر اقتصاد و تولید واقعی، آن را با قیمت‌های کلان در دسترس بازار نزول گذاشته و از قبل ربح آن به زندگی مرفه خود ادامه می‌دهند. این پدیده انگلی و

طفیلی‌گری را لنین هرگز نمی‌توانست در کشورهای غیر امپریالیستی پیش‌بینی کند و ما اکنون آن را با چشم باز و عیان در برابر خود داریم.

۳ - در کنار جلوگیری از ترقیات تکنیکی (بخش ۱)، نابودی محصولات و تولیدات کشاورزی و صنعتی را که به ویژه از اواخر قرن گذشته و با شدت روزافزونی رسوخ پیدا کرده است، می‌توان از ظواهر مدرن و تازه طفیلی‌گری و گندیدگی سنتی سرمایه‌داری شناخت. کنترل قیمت‌ها و کوشش در جهت تثبیت آنها، همان طور که اشاره رفت، خود را در انحصار بازار و به ویژه بخش‌های جداگانه تولید نشان می‌دهد. ما از اواخر قرن گذشته شاهد نابودکردن مازاد برخی از محصولات کشاورزی (مثلاً غلات) از سوی تولیدکنندگان و صاحبان این محصولات بوده‌ایم که هدفی جز تثبیت قیمت در بازار جهانی را در نظر نداشته‌اند. اینها همه نمونه‌هایی از پدیده طفیلی‌گری‌اند و نشانه انحراف تولید سرمایه‌داری از علت وجود تولید، که در واقع می‌باید برآورده ساختن احتیاجات ضروری توده‌های مردم باشد. همچنین جدیداً محصولات و تولیدات کارخانه‌های تولیدی الکتریکی، الکترونیکی، پوشاک و غیره، که مورد پسند سفارش‌دهندگان قرار نمی‌گیرند، از طریق شرکت‌های حمل و نقل مدرن دست نخورده و نو به صورت وسیع و به منظور صرفه‌جویی پس از بازگشت، نابود می‌شوند.

باری بهتر است سخن خود را باز هم به بخش درخشان از نوشته لنین اختصاص داده و بحث را با آن خاتمه دهیم. لنین می‌نویسد:

«انحصار، الیگارش، کوشش برای احراز سیادت به جای کوشش برای نیل به آزادی، استثمار تعداد روزافزونی از دول کوچک و ضعیف از طرف عده قلیلی از غنی‌ترین با نیرومندترین ملت‌ها - همه اینها موجب پیدایش آن علائم مشخصه امپریالیسم است که وامی دارد امپریالیسم را به مثابه سرمایه‌داری طفیلی و پوسیده توصیف نمائیم. ایجاد «کشور تنزیل‌بگیر» یا کشور رباخواری، که بورژوازی آن به طور روزافزونی با صدور سرمایه و «سفته‌بازی» گذران می‌کند، بیش از پیش و هر روز به طور بارزی به مثابه یکی از تمایلات دیگر امپریالیسم متظاهر می‌گردد. اشتباه می‌بود اگر تصور می‌شد این تمایلات به سوی گندیدگی، رشد سریع سرمایه‌داری را منتفی می‌سازد. خیر! رشته‌های گوناگون صنایع، قشرهای گوناگون بورژوازی و کشورهای گوناگون در دوران امپریالیسم با نیروئی کم یا بیش گاه تمایل به سوی گندیدگی و گاه تمایل به سوی رشد سریع را متظاهر می‌سازد. روی هم رفته سرمایه‌داری با سرعتی به مراتب بیش از پیش رشد می‌یابد. ولی این رشد نه تنها به طور اعم ناموزون‌تر می‌شود، بلکه به طور اخص نیز این ناموزونی به صورت گندیدگی کشورهای که از لحاظ میزان سرمایه از همه نیرومندتر نمودار می‌گردد. (انگلستان)»

تمام نقل‌های قول از کتاب «امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» اثر لنین - اپریل سال ۱۹۱۷ (اداره نشریات به زبان‌های خارجی - مسکو سال ۱۹۵۲) آورده شده و تکیه از ما («توفان») است.